

نفتی، دسترسی و نقل و انتقال آزادانه درآمدهای ارزی و نفتی، عادی شدن روابط اقتصادی و کارگزاری بانکی، آزاد شدن و نقل و انتقال بی قید و شرط پول‌های بلوکه شده ایران و امکان سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت آزادانه با همه کشورها باشد و در عین حال ضمانت لازم برای اجرای آن اخذ شود.

۲ موضوع مهم

با وجود دستیابی به این پیش‌نویس، پاره‌ای از موضوعات باقی مانده بود که ایران تأکید داشت تا وقتی پیرامون آنها تفاهمی صورت نگیرد، نباید از توافق نهایی سخنی به میان آورد. واضح بود نادیده گرفتن ۲ موضوع مهم یعنی «راستی‌آزمایی» و «تضمین» می‌توانست بار دیگر برجام را وارد یک چرخه تکراری کند و سبب شود کشورهای غرب در چهارچوب این توافق فراتر از موضع‌گیری‌های اعلامی برای خود، مأموریتی تعریف نکنند. چه آنکه خاطره نه‌چندان خوشایند اجرای توافق هسته‌ای در دوره باراک اوباما، اهمیت پرداختن به موضوع راستی‌آزمایی را بیش از پیش حائز اهمیت می‌کرد. چه این بار قرار نبود آمریکا ابزارهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی خود را برای جلوگیری از انتفاع اقتصادی علیه ایران بسیج کرده و صرفاً با اتکا به یک امضا از مسئولیت برجامی خود راه فرار پیدا کند. از سوی دیگر خواسته تضمین قابل اتکا از سوی آمریکا هم چیزی بود که گرچه این کشور از زیر بار پذیرش آن شانه خالی کرده بود اما هیأت دیپلماتیک کشورمان تحقق آن را در قالب یک طرح عملیاتی و با سازوکاری مشخص روی میز بین گذاشته بود و آمریکا چاره‌ای جز پذیرش آن نداشت.

تردیدی نیست که این مهم مانع از آن خواهد شد که دولت‌های بعدی آمریکا به راحتی اجرای تعهدات برجامی خود را نادیده بگیرند و دریابند در صورت

پیگیری چنین کاری با هزینه‌های گزافی روبه‌رو خواهند شد؛ امری که به این معنا خواهد بود قرار نیست ایران به تنهایی بار عهدشکنی احتمالی امریکایی را به دوش بکشد.

عبور از جنگ روانی

هیأت ایرانی در حالی مسیر مذاکرات را به آرامی می‌پیمود که سمت دیگر ماجرا در مواجهه با ناکامی‌های پیش آمده به سمت و سوی عملیات روانی علیه ایران روی آورده بود. در توسل به این بازی روانی بود که موضوعی همچون توافق موقت مطرح شد. توافقی که ارائه برخی مشوق‌های مالی محدود و موقت را در قبال پذیرش تعهداتی برای متوقف سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران پیشنهاد می‌داد. به وضوح پیدا بود غرب می‌کوشید رویکرد متوازن و منطقی تهران را با رجوع به تاکتیک‌های کهنه، تعدیل و بی‌اثر کند. وجه دیگر جنگ روانی در وین اتهام وقت‌کشی و تلاش آن برای کوتاه کردن زمان گریز هسته‌ای بود که امریکا آن را متوجه ایران می‌کرد. در این میان اروپایی‌ها مجدداً به جای ایجاد فشار بر امریکا، ایران را بابت تلاش برای تحقق منافع برجامی‌اش سرزنش می‌کردند. در حقیقت به همان اندازه که واشنگتن از گرفتن امتیاز بیشتر از ایران ناامید می‌شد بر آتش عملیات رسانه‌های غربی هم دمیده می‌شد.

آخرین گره

علاوه بر همه موضوعات پیش گفته که به نظر می‌رسید با نزدیک شدن به روزهای پایانی اسفندماه، طرف‌های مذاکره‌کننده در فرایند دور هشتم مذاکرات پیرامون آنها به توافق رسیده بودند، تنها یک خواسته دیگر باقی مانده بود که در گفت‌وگوی تلفنی رئیس‌ی و همتای فرانسوی‌اش رسانه‌ای شد؛ هر تفاهمی در وین می‌باید به ادعاهای غرب علیه فعالیت‌های

هسته‌ای ایران پایان می‌داد. خواسته‌ای که پای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به میان می‌کشید و می‌باید تکلیف یکسری پرونده‌های ادعایی پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای ایران را معلوم می‌کرد؛ این در حالی بود که پیشتر و چند ماه پس از دستیابی به توافق هسته‌ای، آژانس پرونده ادعایی برنامه نظامی ایران را بسته بود و دیگر قرار نبود این موارد در دستورکار آژانس قرار گیرد. پیشتر آژانس مدعی شده بود که ایران پیش از سال ۲۰۰۳ فعالیت‌های محدود اما سازماندهی شده‌ای در ارتباط با یک برنامه تسلیحات اتمی داشته که بعضی از این فعالیت‌ها تا سال ۲۰۰۹ هم ادامه یافته است. ادعایی که هیچ نشانه قابل اعتنایی برای تأیید این فعالیت‌ها و تداوم آنها پس از سال ۲۰۰۹ پیدا نکرده بود. ۲۵ آذر سال ۹۴ روزی بود که آژانس چند ماه بعد از انعقاد برجام در جلسه ویژه شورای حکام، با گزارش «یوکیو آمانو»، مدیرکل وقت، این پرونده را بست و رضا نجفی، نماینده پیشین ایران در آژانس گفت پرونده مطاعات ادعایی به تاریخ پیوسته و دیگر وجود ندارد.

اگرچه این پرونده جنجالی در ظاهر به پایان راه خود رسید اما رویکرد خصومت‌آمیز رژیم صهیونیستی و محافل غربی وابسته به آن پایانی نداشت. چه طرح ادعاهای موهوم و ارائه اسنادی جعلی به آژانس سبب شد بار دیگر مقام‌های این نهاد بین‌المللی ادعاهایی را مطرح کنند که ایران پیشتر در قالب پرونده مطالعات ادعایی پیرامون آنها شفاف‌سازی کرده و به مباحث مربوط به آن خاتمه داده بود. در همین چهارچوب تورقوزآباد، شیان و آباده و تسای کرج چهار مکان ادعایی بود که آژانس بر مبنای اطلاعات ساختگی که از رژیم صهیونیستی و مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشنگتن به دست آورده بود، خواستار بازدید از

رئیس سازمان انرژی اتمی در نشست خبری مشترک با مدیرکل آژانس اعلام کرد که پرونده یکی از چهار مکان ادعایی بسته شده و همچنین سایر مسائل ادعایی نیز قرار است براساس نقشه راه مشخصی ظرف مدت حداکثر سه ماه (خردادماه) حل و فصل می‌شود

آنها شد. در این میان، ایران در پی وقوع حمله خرابکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای اش در کرج اعلام کرده بود که توافقاتی پیشین، شامل نصب دوربین‌های آژانس در سایت تسای نیز می‌شود؛ مضاف بر اینکه آسیب‌های وارد شده به این مرکز نیز امکانی برای نصب دوربین‌ها باقی نمی‌گذاشت. با این حال مقام‌های کشورمان در مسیر تلاش خود برای نشان دادن حسن نیت جهت حل موضوع، به آژانس چراغ سبز نشان دادند تا «گروسی» خبر دهد با نصب دوربین‌های نظارتی در مجتمع تسای کرج این موضوع از مجموعه موضوعات اختلافی خارج شده است. این در حالی بود که ادعاهای آژانس در مغایرت کامل با اسناد تأسیسی آژانس و نظام راستی‌آزمایی قرار داشت که هیچ تعهدی را نیز برای ایران در جهت اجابت این درخواست‌ها ایجاد نمی‌کرد. با وجود این معلوم بود که باید برای باز کردن آخرین گره مذاکرات تدبیری اندیشیده شود. همزمان با بازگشت سه هیأت اروپایی از وین به پایتخت‌ها برای آخرین مشورت‌ها «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس روز ۱۴ اسفند ماه راهی تهران شد و با مقام‌های ایرانی به گفت‌وگو نشست. نتیجه این سفر عصر همان روز در لبخند رضایت «گروسی» پدیدار شد و محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در نشست خبری مشترک با مدیرکل آژانس اعلام کرد که پرونده یکی از چهار مکان ادعایی بسته شده و همچنین سایر مسائل ادعایی نیز قرار است براساس نقشه راه مشخصی ظرف مدت حداکثر سه ماه (خردادماه) حل و فصل می‌شود. این نتیجه را می‌توان یکی از درخشان‌ترین دستاوردهایی دانست که در کنار پیگیری هوشمندانه مذاکرات وین راه را بر دیگر پروژه‌های احتمالی مشابه پرونده مطالعات ادعایی می‌بست و مانع از آن می‌شد که ایران در آینده به دلیل انبوه ادعاهای موهوم بار دیگر تحت فشار آژانس قرار گیرد.

مسیر صعب و سخت

مرور کارنامه کوتاه دولت سیزدهم در عرصه مذاکرات وین نشان می‌دهد که دولت توانسته است از تغییرات برآمده از تغییر رویکرد خود در سیاست خارجی پشتیبانی قابل اتکا در عرصه بین‌المللی بسازد. تیم هسته‌ای دولت رئیسی تا اینجای کار مسیر صعب و سخت مذاکره با قدرت‌های جهانی را در سایه بهره‌مندی از تدابیر رهبری نظام و به پشتوانه انسجام داخلی پیموده است. در این مدت حمایت صریح و بی‌وقفه بالاترین مرجع نظام از تیم مذاکره راه را بر هرگونه تردید افکنی در رفتار و اهداف تیم مذاکره بسته و روشن شده که در سایه وفاق نهادهای نظام می‌توان سیاست خارجی را که پیش از این گمان می‌رفت میدان زورآزمایی و تنش است، به منبع اقتدار و تفاهم تبدیل کرد.

